

Economic legal Explanation of Contracts and Incompetent Activities in Large Areas and New Economic Conditions

Mohammad Zaman Rostami*

Received: 09/10/2018

Mohammad Hadi Rostami**

Accepted: 25/05/2018

Abstract

Incompetent trades are trades done by an incompetent person or can be issued by him, but the trader is not incompetent. Examples of incompetent Transactions are different at any time, and what was competent in the past can today be considered as incompetent. Incompetency is visible in all types of contracts, terms and economic activities. To find out the rate of productivity, we should refer to the leading and expert traditions. A criterion for detecting such transactions is the level of productivity resulting from a legal or economic action. The lower the effectiveness of a measure, the more incompetent it is, and it is closer to vanity. Some jurists and lawyers believe in the voidness of the incompetent trades. In this paper, the concept of incompetency, incompetent and efficiency (as a criterion for the lack of incompetency in large areas), and the view of jurisprudence and law about the incompetent contracts are being studied. The nature and degree of incompetency are mainly discussed in small scale contracts and activities, and this article deals with this issue in large scale contracts and activities and in response to the question of the nature of foolishness in large areas from the point of view of jurisprudence, it is hypothesized that the viewpoint of jurisprudence about incompetency in large areas is based on maximum productivity and efficiency.

Key words

contract, incompetent, incompetency, incompetent contract, void, fraud.

JEL Classification: K42, k49, k11, K12, d83, d86.

*. Assistant Professor, Qom university, Qom, Iran. (Corresponding Author)

Mzrostami1962@gmail.com

** . Ph.D. in Jurisprudence and Private Law, Shahid Motahari University,
Tehran, Iran.

H.rostami123@yahoo.com

تبیین فقهی اقتصادی قراردادها و فعالیت‌های سفهی کلان و شرایط اقتصادی نوین

محمدزمان رستمی*

محمدهادی رستمی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۰۴

مقاله برای اصلاح به مدت ۳۷ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

معاملات سفهی، معاملاتی است که از سفیه صادر می‌شود و یا شأنیت آن را دارد که از سفیه صادر شود، ولی معامله‌کننده، سفیه نیست. مصادیق و فروع معاملات سفیهانه در هر زمان، تفاوت می‌پذیرد و آنچه در گذشته رشیدانه بود امروزه ممکن است سفیهانه تلقی شود. سفاهت در همه انواع عقود، شروط و فعالیت‌های اقتصادی قابل مشاهده است. برای تشخیص سفاهت در قراردادها و فعالیت‌های اقتصادی کلان، باید به عرف پیشرو و متخصص مراجعه کرد. یک معیار برای تشخیص سفاهت در این امور، فاصله کارایی یک اقدام حقوقی از کارایی حداکثری آن یا فاصله بهره‌وری یک فعالیت اقتصادی از بهره‌وری حداکثری آن است. هر قدر، این فاصله بیشتر باشد، میزان سفاهت، بیشتر و به بطلان، نزدیک‌تر است. برخی فقها و حقوقدانان به بطلان معاملات سفهی معتقدند. در این مقاله، مفهوم سفاهت، سفیه و کارایی (به عنوان معیاری برای عدم سفاهت در حوزه های کلان)، و دیدگاه فقه و قانون درباره قراردادهای سفیهانه بررسی می‌شود. ماهیت و حکم سفاهت عمدتاً در قراردادها و فعالیت‌های غیرکلان مورد بررسی قرار می‌گیرد و این مقاله به این مسئله در قراردادها و فعالیت‌های کلان می‌پردازد و در پاسخ به سوال از ماهیت سفاهت در حوزه‌های کلان از منظر فقه، این فرضیه را بیان می‌کند که نگاه فقه به سفاهت در حوزه‌های کلان، بر اساس بهره‌وری و کارایی حداکثری است.

واژگان کلیدی

قرارداد، سفیه، سفاهت، قرارداد سفهی، غرر، اکل مال به باطل، بطلان.

طبقه‌بندی JEL: K42, k49, k11, K12, d83, d86

Mzrostami1962@gmail.com

* استادیار دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

**دانش آموخته دکتری فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران. H.rostami123@yahoo.com

مقدمه

جوامع بشری برای برآوردن نیازهای خود معاملاتی را ایجاد می‌کنند و برای رشد و توسعه بیشتر خود، این معاملات را تکامل می‌بخشند. عده‌ای از عقلای جامعه بر این امر اشراف دارند و آن‌چه را متناسب با رشد جامعه است، تصویب می‌کند و آن‌چه را متناسب با رشد نیست غیرعقلایی دانسته نمی‌پذیرد. اسلام، آیینی امضایی است و رفتار عرف پیشرو را امضا می‌کند. اسلام، معاملات سفیهان و معاملاتی که از نظر عرف پیشرو سفیهانه تلقی می‌شود را نمی‌پذیرد. هر کس که نوعاً معاملات سفیهانه انجام می‌دهد سفیه تلقی می‌شود و معاملات او (چه سفیهانه و چه غیرسفیهانه) غیرنافذ است. عدم نفوذ معاملات سفیهی در فعالیت‌های بزرگ و معاملات کلان (ولو از افراد غیرسفیه صادر شود) امری عقلانی است که فقه و حقوق آن را تأیید می‌کند. فقه و حقوق نمی‌تواند درباره ماهیت و احکام چنین معاملاتی سکوت کند. مشهور فقیهان، بطلان قرارداد سفیهی (به‌ویژه اگر درجه سفاهت در قرارداد، بالا باشد) را مفروغ‌عنه و یک قاعده فقهی دانسته و در بسیاری موارد با استناد به این قاعده، حکم به بطلان نموده‌اند. همچنین معامله غیرعاقلانه فرد رشید، باطل است، زیرا سفاهت قرارداد به عنوان وجهی مستقل برای اتصاف آن به بطلان انگاشته شده است (حائری و صباغی، ۱۳۹۵، ص. ۵۷). اما آیا هر معامله‌ای که از نظر نوع مردم، سفیهی به شمار آید، محکوم به بطلان است، به گونه‌ای که آثاری بر آن مترتب نمی‌شود؟ آیا سفاهت درجاتی دارد و تنها برخی از درجات آن موجب بطلان قرارداد می‌شود؟ آیا معیار سفیهی بودن قرارداد یا فعالیت اقتصادی، عرف عادی یا عرف متوسط و یا عرف عالی و متخصص است؟ مهم‌ترین دلیل یا ادله بطلان چیست؟

سوال اصلی مقاله این است که ماهیت سفاهت در حوزه فعالیت‌های کلان اقتصادی از منظر فقه چیست؟ فرضیه اصلی این است که رویکرد فقه به سفاهت در حوزه‌های کلان بر اساس بهره‌وری و کارایی حداکثری است. این مقاله با استفاده از آیات و روایات و احکام فقهی و عرف پیشرو، به تبیین مفهوم سفاهت در حوزه فعالیت‌های کلان اقتصادی می‌پردازد.

۱. پیشینه

فقه‌های بسیاری مانند شهید اول، شهید ثانی، نجفی، یزدی، خویی، مراغی، جزیری، مصطفوی، مکارم شیرازی و جوادی آملی و حقوقدانانی مانند لنگرودی و طاهری به تبیین احکام معاملات سفهی پرداخته‌اند. احکمت‌نیا و زمانی (۱۹۹۲) در مقاله «وضعیت حقوقی معاملات سفهی در فقه امامیه و حقوق ایران»، می‌گویند: عدم وجود غرض عقلایی در انجام هر قرارداد، آن را سفهی می‌سازد و برای تشخیص وجود غرض عقلایی باید به عرف مراجعه کرد. از نظر ایشان آن دسته از معاملات سفهی که دارای ارکان اساسی صحت معاملات است، با توجه به ادله، در نظام حقوقی ایران صحیح می‌باشد. حائری و صباغی (۱۳۹۵) در مقاله «تأملی در قاعده‌انگاری بطلان معاملات سفیهانه، با تأکید بر آیه ممنوعیت اکل مال به باطل»، ادعا دارند که ملاک بطلان، سفاهت معامله‌کننده است نه سفهی بودن قرارداد، افزون بر آن که صدق عنوان سفاهت نیز در غایت صعوبت است. حق‌پناه، و دلبری (۱۳۹۱)، در مقاله «بررسی دلالتی آیه وَ ابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ فِي جَوَازِ تَصَرُّفَاتِ مَالِي صَبِيٍّ مِمِّيزٍ» بررسی می‌کنند که آیا هر دو صفت رشد و بلوغ برای دادن مال به کودکان، شرط است یا یکی از آن‌ها کفایت می‌کند. ایشان نتیجه می‌گیرند که عنصر رشد برای جواز تصرفات مالی صبی ممیز کافی است. آخوند (۱۳۹۶)، در مقاله «واکاوی واژه سفیه در آیه وَ لَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ اَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» نتیجه می‌گیرد که آیه شریفه دارای معنای عام است و هر فرد کم‌خرد و غیررشید، اعم از زن و مرد و کودک را شامل می‌شود.

۲. مفهوم سفاهت و سفیه

سفاهت، عدم رشد کافی در امور مالی است، به طوری که شخص نتواند سرپرستی اموال خود را برعهده گیرد و در مبادلات مالی، منافع خود را تامین کند. سفاهت به معنای کم‌خردی، سبک‌سری و قراردادن اشیا در غیر جایگاهش است. در این معنا، سفیه عمومیت دارد و هر کودک، مجنون، محجور و کسی را که به خاطر زیاده‌روی و بی‌بندوباری در خرج مال، از تصرفات مالکانه ممنوع شده باشد، شامل می‌شود. هرگونه تصرفات ناعاقلانه مانند تبذیر اموال، مصرف آن در امور حرام و لهو و لعب، از مصادیق سفاهت بوده و نهی آیه شامل آن می‌شود.^۲

سفاهت در مقابل رشد است. رشد، امری وجودی و سفاهت، امری عدمی است. رشد، وجود ملکه، صفت یا حالتی است که موجب استفاده کارا از اموال و مانع اتلاف، اسراف و صرف آن در راه‌های غیر عقلایی می‌گردد (بلاغی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص. ۱۲). تقابل سفاهت و رشد، از نوع عدم و ملکه است. وجود رشد، نیاز به دلیل دارد. هر مال، زمانی در اختیار یک فرد قرار می‌گیرد که رشد او (متناسب با حجم و اهمیت آن مال) اثبات شود. آیه شریفه «فَإِنْ أَنْسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا»^۳ بر این امر دلالت دارد. طبق تبصره ۲ ماده ۱۲۱۰ ق.م. اموال صغیری که بالغ شده است را در صورتی می‌توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد. اثبات رشد، از راه مقایسه اعمال فرد با اعمال عقلانی دیگران است. بنابراین، اعمال وارث یک کارخانه باید توسط کارخانه‌داران موفق و خوشنام مورد سنجش قرار گیرد و چنانچه اعمال او را همانند اعمال عقلای متعارف تشخیص دهند، آن شخص، رشید و گرنه سفیه است (ر.ک. طاهری، ۱۴۱۸، ج ۱، ص. ۱۳۲).

رشد و سفاهت، ذومراتب‌اند. ممکن است فردی در انجام معاملات ساده، اداره کارگاهی کوچک یا فعالیت در حوزه تجارت داخلی، رشید باشد ولی در انجام معاملات پیچیده، اداره کارخانجات بزرگ یا تجارت در حوزه بین‌الملل، سفیه باشد.

سفیه از منظر حقوقی و از منظر آیه شریفه، فردی است که اموالش را در اغراض غیر عقلایی مصرف می‌کند. سفیه، شخصی است که روش عقلایی برای اداره اموال خود را نمی‌داند، گرچه در امور دیگر عاقل است (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۶، ص. ۳۷۴؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۶، ص. ۲۵۲). با توجه به انقلاب در نوآوری و اختراع و تکامل سریع در تکنولوژی، می‌توان در معاملات و فعالیت‌های مهم، معیار بهره‌وری و کارایی حداکثری را برای رشد و سفاهت در نظر گرفت. در فعالیت‌های مهم اقتصادی، سفیه بر کسی اطلاق می‌شود که کارایی و بهره‌وری کافی برای انجام فعالیت یا تصرف در مال را ندارد. قرارداد یا فعالیت سفیهانه، آن است که با رشد و توسعه اقتصاد و تکامل جامعه تناسب ندارد و موجب استحکام اقتصاد و جامعه نمی‌شود. استفاده از منابع طبیعی، هر روز، کاراتر می‌شود و تصرفات قدیم، نام سفاهت بر خود می‌گیرد. روش‌های تولید، هر روز پیچیده‌تر می‌شوند و روش‌های قدیم، سفیهانه تلقی می‌شوند.

سفته در عرف فقها کسی است که اموال خود را در غیر اغراض صحیح مصرف کند (فاضل مقداد، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۱۱۰). در متون فقهی، سفاهت متعاملین، یکی از اسباب ممنوعیت تصرف در اموال است (شهیدثانی، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۱۰۱). بنابراین، خریداران یا وارثان یک کارخانه، زمانی می‌توانند اداره آن را برعهده گیرند که رشد آنان ثابت شود. تولیدکننده‌ای که سودآوری او از سودآوری متعارف فاصله بسیار دارد در لیست سفیهان قرار می‌گیرد. در این حالت، دولت می‌باید برای کارخانه او قیّم معین کند و او را تحت آموزش قرار دهد، نه این‌که با پرداخت وام چندین میلیاردی او را به ادامه فعالیت سفیهانه‌اش تشویق کند.

در نظام فقهی و حقوقی برای تشخیص عنوان هر حکمی باید علاوه بر متون فقهی و قانونی، به عرف مراجعه کرد زیرا قانون‌گذار با زبان عرف سخن می‌گوید. فقیه و قانون‌گذار به عرف زمان خود مراجعه می‌کنند و بر اساس آن، فقه و قانون را می‌نویسند. از آن‌جا که عرف در حال تغییر است آن‌چه مبتنی بر آن است نیز می‌باید تغییر کند. عرف در یک تقسیم‌بندی بسیار ساده دو نوع است: الف) عرف سنتی و غیرپویا که اقتصاد را در یک وضعیت ساکن نگاه می‌دارد و تحولی نمی‌آفریند، بلکه مانع تحول می‌شود، و ب) عرف متخصص، پیشرو و پویا که اقتصاد را متحول می‌سازد. مصادیق رشد و سفاهت، بر اساس یک زمان خاص، ثابت باقی نمی‌ماند بلکه این دو با تحول اقتصاد، مصادیق جدیدی می‌پذیرند. اما شناخت عرف متخصص، کارآمد و پیشرو با مراجعه به کتب فقهی و حقوقی به‌دست نمی‌آید، بلکه نیاز به آشنایی مستمر با شرایط اقتصاد روز، به‌ویژه اقتصاد بین‌الملل دارد. تعریف این‌گونه اصطلاحات فقهی و حقوقی در حوزه‌های کلان می‌باید براساس نظریه فقها و حقوقدانانی باشد که شناخت به‌روز از عرف متخصص و پویا و فعالیت‌های اقتصادی بزرگ و پیچیده دارند، ولی با وجود این، دیدگاه همه فقها و حقوق‌دانان در تحلیل مسئله و صدور حکم آن، کارگشا است.

۳. بررسی آیات سفاهت

به اعتقاد بیشتر فقها یکی از شرایط متعاقدين، بلوغ است و معاملات صبی، ممیز و غیرممیز، به اذن ولی یا بدون آن، در مال خودش یا در مال دیگری، در امور ارزشمند یا کم‌ارزش، باطل است (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۴، ص ۲۶۳؛ نجفی، ۱۳۶۸، ج ۲۲، ص ۲۶۰؛

خویی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص. ۲۳۴؛ حلی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص. ۲۷۵). دلیل قرآنی این مسئله آیه شریفه «وَ ابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» (نساء، ۶) است که دلالت بر لزوم آزمون صبی، برای اثبات رشد جهت اعطای مال به او دارد (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص. ۱۸۱). واژه **ابتلاء** در این آیه، به معنای آزمون است (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۴، ص. ۸۳). اما آزمون چگونه و از سوی چه کسی باشد؟ آزمون متناسب با دارایی است و برای دارایی‌های بزرگ‌تر و مهم‌تر، آزمون می‌باید سخت‌تر و امتحان‌گیرنده می‌باید رشیدتر باشد. مثلاً در مورد کارخانه، آزمون از سوی چند کارخانه‌دار متبخر صورت می‌گیرد. می‌توان از نهادهای متبخر بخش خصوصی مانند اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و نهادهای متبخر بخش دولتی مانند سازمان صنعت، معدن و تجارت برای این امر بهره گرفت.

گرچه آیه شریفه، یتیم را مطرح نموده است اما یتیم موضوعیت ندارد و هر خردسالی را شامل می‌شود؛ زیرا رشد و بلوغ، موضوع رفع حجر است و بودن و نبودن پدر در آن دخالتی ندارد (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص. ۲۸۱؛ امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص. ۲۲؛ خویی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص. ۲۴۶). بلوغ، رسیدن کودک به سن تکلیف یا پایان دوره کودکی و رسیدن به سنی است که اهلیت توجه تکلیف را پیدا می‌کند و ملزم به رعایت قوانین شرعی می‌گردد (نجفی، ۱۳۶۸، ج ۲۶، ص. ۴). ممکن است تعبیر به رسیدن نکاح، مجاز عقلی و به معنای داراشدن قدرت برای اداره خانواده باشد (حق‌پناه و دلبری، ۱۳۹۱، ص. ۶). فعل **آنستُم** از ماده انس به معنای مشاهده دقیق و عبارت **فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا** دال بر لزوم اثبات رشد است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص. ۱۷۲؛ امین، ۱۳۶۱، ج ۴، ص. ۱۷). منظور از رشد در این آیه، نه رشد معنوی بلکه به تناسب حکم و موضوع، رشد اقتصادی است. رشید اقتصادی که سفاقت معنوی دارد محجور نیست و تنها سفاقت اقتصادی حجر‌آور است (حق‌پناه و دلبری، ۱۳۹۱، ص. ۶).

آزمون، امری تدریجی و مستمر است، به این معنا که ابتدا مقداری مال در اختیار فرد گذارده شود تا آشکار گردد با آن چه می‌کند و سپس، مال بیشتری در اختیار او گذارده شود. همچنین با توجه به این که رشد، امری نسبی است و بسته به شرایط زندگی و اموالی که به ارث می‌رسد ممکن است که فرد، نسبت به اداره برخی اموال، رشید و نسبت

به برخی دیگر غیررشید باشد، می‌باید بخشی از مال را به او داد و نسبت به بخش دیگر منتظر ماند تا نسبت به آن رشید شود. بنابراین می‌باید اموال فرد به تدریج و بر حسب میزان رشد داده شود.

مشهور فقها قائلند که علاوه بر رشد عقلی اقتصادی، بلوغ نیز موضوعیت دارد.^۴ بنابراین تحویل اموال کودکان، دو شرط دارد: یکی این که از لحاظ جسمی و سنی به حد بلوغ برسند و دیگر این که از لحاظ عقلی و فکری دارای رشد لازم باشند. اما میزان رشد لازم چه قدر است؟ میزان رشد لازم، متناسب با مال است. جمله حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ متعلق به جمله وَابْتُلُوا الْيَتَامَى است و معنایش این است که یتیم را بیازمایید و این آزمایش تا سن ازدواج ادامه یابد. از کلمه حتی استفاده می‌شود که آزمایش یتیمان باید پیش از بلوغ و به صورت مستمر انجام شود، تا هنگامی که در آستانه بلوغ قرار گرفتند، وضع آنان از نظر رشد عقلی برای اداره امور مالی خود کاملاً روشن گردد (حق‌پناه و دلبری، ۱۳۹۱، ص. ۱۰). طبع مسئله نیز این اقتضا را دارد؛ زیرا با یک یا دو مرتبه امتحان نمی‌توان رشد کودک را تشخیص داد بلکه باید با تکرار آزمایش رشد او مشاهده شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص. ۱۷۲). از سویی رشد نیاز به تعلیم دارد. بدون تعلیم کسی رشد نمی‌یابد. معلم و ممتحن، خود می‌باید کارآمد و رشید باشد.

در کیفیت امتحان یتیم اختلاف است. برخی می‌گویند که اگر ممتحن، پسر باشد خرج یک ماه یا کمتر را به او بدهند و ببینند چگونه صرف می‌کند. اگر درست خرج کند معلوم می‌شود که رشید است و مالش را به او بدهند و الا به مرحله رشد نرسیده است. اما اگر دختر بود کارهای منزل و کارهای زنانه را به او واگذار کنند و مشاهده کنند که آیا توان درست‌عمل کردن در آن را دارد. اگر درست عمل کرد رشیده است و مالش را به او برگردانند و گرنه نگاه دارند تا رشیده شود (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۵، ص. ۳۶۳؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص. ۳۶۳). این بیان در مورد اموال هنگفت، قابل ایراد است. کسی که کارهای منزل را به خوبی انجام می‌دهد لزوماً نمی‌تواند کارهای اقتصادی کلان را انجام دهد. اگر دختری وارث یک کارخانه بزرگ باشد می‌باید او را در کارخانه آموزش داد و در امر اداره کارخانه آزمون کرد. امتحان بدون آموزش ممکن نیست. اگر او آموزش‌پذیر و در آزمون، موفق نباشد مال او نزد یک قیم رشید و کارآمد باقی می‌ماند.

هدف از قید بلوغ این است که بفهماند اختبار باید قبل از بلوغ شروع شود (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص. ۱۰). در پاسخ به این پرسش که چرا امتحان باید از زمان طفولیت شروع شود می‌توان گفت که اولاً تشخیص رشد و احراز آن به زمان طولانی نیاز دارد و ثانیاً از آن جا که اموال مردم باید در اولین زمان استقلالشان به آنان بازگردانده شود از باب احتیاط باید پیش از آن، امتحان شده باشند تا رد مال به آنها از اولین زمان استقلال به تاخیر نیفتد (حق‌پناه و دلبری، ۱۳۹۱، ص. ۱۳).

جمله **فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ** کنایه از این است که مال یتیم را باید به خود او داد. اما آیا وقتی رشد ثابت شد باید مال نوجوان را یکباره به او داد؟ گرچه ظاهر عبارت **فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ** این است که دفع مال باید یکباره باشد اما در اموال هنگفت و مهم، دفع مال باید تدریجی باشد.

در مقابل سخن مشهور، برخی بر این باورند که رشد برای جواز تصرف کودک کافی است و لو قبل از بلوغ باشد و این مطلب از غایی بودن کلمه **حتی** در آیه استفاده می‌شود، با این تقریب که اصل اولی این است که اموال مردم باید در اختیار خود آنان قرار داشته باشد و کسی نمی‌تواند اموال آنها را ضبط کند (حق‌پناه و دلبری، ۱۳۹۱، ص. ۱۶).

دیگر دلیل قرآنی مسئله، آیه شریفه «**وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا**» (نساء: ۵) است که می‌فرماید: اموالتان را که خدا قوام زندگی شما قرار داده به سفیهان ندهید. آیه شریفه می‌فرماید: افراد سفیه، اجازه تصرف در اموال خود را ندارند. تمامی انسان‌ها جامعه‌ای واحد را شکل می‌دهند که اموال دنیا متعلق به آن است و بر همه افراد آن واجب است این اموال را حفظ نمایند و نباید به افراد سفیه اجازه دهند آن را اسراف و ریخت‌وپاش کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص. ۲۷۱). آیه شریفه دارای حکم کلی و عمومی برای همه مکلفان است و بر مبنای آن، انسان نباید در هیچ حال و موردی، اموالی که تحت سرپرستی او است یا زندگی او به نوعی به آن بستگی دارد را به دست افراد کم‌عقل و غیررشدید بسپارد.

۴. مفهوم کارایی به عنوان معیاری برای عدم سفاقت

در اقتصاد کنونی، به جای رشد از اصطلاح کارایی استفاده می‌شود. تبیین مفهوم کارایی به تبیین مفهوم رشد، کمک می‌کند. در روایتی از امام صادق(ع) از معنای رشد در آیات مورد بحث سوال شد. امام(ع) فرمود: رشد، توان و قدرت بر حفظ مال است (ر.ک: حرّ عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۹، ص. ۳۶۹). این روایت به خوبی بر لزوم کارآمدی رفتارهای اقتصادی دلالت دارد. یک فرآیند تولیدی برای کارآبودن باید سه شرط داشته باشد: تولید آن مقداری که توسط کارخانه تولید شده، با امکانات کمتر ممکن نباشد؛ با استفاده از همان امکانات، تولید بیشتر ممکن نباشد؛ و با استفاده از امکانات کمتر، امکان تولید بیشتر نباشد. اگر کارخانه‌ای کالایی را تولید می‌کند و برای تولید ۱۰۰ بسته از آن کالا در هفته از ۱۰ کارگر و ۱۵ دستگاه کمک می‌گیرد، این تولید تنها در صورتی کارآمد محسوب می‌شود که تولید آن ۱۰۰ بسته کالا با کمتر از ۱۰ نیروی کار و ۱۵ دستگاه ممکن نباشد؛ با همان ۱۰ کارگر و ۱۵ دستگاه، نتوان بیش از ۱۰۰ بسته تولید کرد؛ و با کمتر از ۱۰ کارگر و ۱۵ دستگاه، نتوان بیش از ۱۰۰ بسته تولید کرد (Cooter, 1987, p. 77).

مهم‌ترین مؤلفه‌های کارایی اقتصادی، حداکثرکردن منافع و حداقل کردن هزینه‌های کسب و کار است. جوامع پیشرفته به دنبال کارایی هستند. دادگاه‌های نظام حقوقی کامن‌لا اختلافات را براساس کارایی اقتصادی حل و فصل می‌کنند. بین قواعد کامن‌لا و تخصیص کارآمد امتیازات حقوقی، رابطه وجود دارد. از اهداف توسعه اقتصادی، در کنار عدالت در توزیع، حداکثرساختن کارایی و بهره‌وری و حداکثرسازی ثروت جامعه است (Posner, 2014, p. 110). جامعه در صورتی می‌تواند ثروتش را حداکثر سازد که هر منبع مانند پول، مواد اولیه و ماشین‌آلات در اختیار کسانی قرار گیرد که بالاترین کارایی را دارا هستند و بیشترین بهره‌وری را ایجاد می‌کنند (Posner, 2014, p. 15). بین حداکثرسازی ثروت و حداکثر کارایی ارتباط تنگاتنگ است. علت فاصله اقتصادی میان کشورهای پیشرفته و غیرپیشرفته آن است که منابع، در کشورهای پیشرفته در اختیار افراد کارا و در کشورهای غیرپیشرفته، در اختیار افراد غیرکارا قرار می‌گیرد. کارایی، سازگاری بسیاری با ارزش‌های اخلاقی دارد زیرا ناشی از به‌فعولیت رساندن ظرفیت، توانمندی، هوش، استعداد و تلاش افراد است. حداکثرسازی کارایی، از قواعد اخلاقی مانند وجوب

حفظ تعهدات و لزوم بیان حقیقت ناشی می‌شود. هر قدر فضائل اخلاقی بیشتر باشد اتلاف منابع، هزینه‌های تولید، هزینه‌های معاملاتی (مانند هزینه تنظیم قرارداد) و هزینه‌های دادگاه، کمتر و به‌کارگیری منابع، کارآمدتر می‌شود که بهبود تولید و تجارت و افزایش ثروت جامعه را به همراه دارد (Posner, 2014, p. 133).

از مولفه‌های کارآمدی، برخورداری از قدرت رقابت در بازار است. لازمه این قدرت، آشنایی با مجموعه قواعد حاکم بر بازار و از جمله، داشتن اطلاعات لازم است. عدم تقارن اطلاعاتی و فقدان آشنایی با تکنولوژی مدرن، سلیقه مصرف‌کنندگان، قدرت رقیبان و خطرهای تهدیدکننده، ناکارآمدی و سفاهت است (Korobkin, 1998, p. 12). ناکارآمدی موجب سوء استفاده و در نتیجه ناکارآمدی بازار است و نظام حقوقی را وادار می‌سازد آن را برطرف سازد. بازارهای رقابت کامل، چون فاقد افراد ناکارآمد است نیازی به اصلاح حقوقی و دخالت دولت ندارند و بازارهایی که به علت وجود افراد ناکارآمد، ناکارآمدی‌هایی دارد نیازمند اصلاح قوانین و قراردادهای و دخالت دولت هستند. در قراردادهای میان افراد کارآمد، اطلاعات لازم ردوبدل می‌شود، هر نوع احتمالی مورد پیش‌بینی قرار می‌گیرد، خطر به‌صورت کارآمد بین طرفین تخصیص می‌یابد و فردی مکلف به جلوگیری از خطر می‌شود که با کمترین هزینه می‌توانست از وقوع آن جلوگیری کند. در این صورت، دادگاه به مفاد آن احترام می‌گذارد و بدون دخالت، آن را اجرا می‌کند. برعکس، زمانی که برخی طرف‌های قرارداد، سفیه و ناکارآمد باشند، نیاز به دخالت دولت و دادگاه است.

از دیگر مولفه‌های رشد و کارآمدی، مبارزه با فرصت‌طلبی است (Deffains, 2004, p. 6). از دلایل فرصت‌طلبی در قراردادهای، ابهام و عدم شفافیت قراردادی است. همواره اطلاعات یکی از طرفین قرارداد بیشتر از دیگری است. هیچ‌کس حاضر نمی‌شود اطلاعات خود را به‌طور کامل در اختیار دیگری قرار دهد. اطلاعات، با ارزش‌ترین امر اقتصادی است. هر کس از اطلاعات خود برای کسب منافع بیشتر استفاده می‌کند. اطلاعات بهترین ابزار برای استفاده و یا سوءاستفاده است. هر شخصی در مواجهه با افراد ناکارآمد و سفیه از اطلاعات خود برای سوءاستفاده و فریب استفاده می‌کند. فریب افراد سفیه و ناکارآمد یک اصل غریزی است که هر کس در صورت توان از آن بهره می‌برد.

بهترین ابزار فریب، سوءاستفاده از اطلاعاتی است که افراد سفیه ندارند. هر قدر یک فرد کارآمدتر و رشیدتر باشد اطلاعات او بیشتر است و امکان فرصت‌طلبی از او کاهش می‌یابد. (ماده ۲۱۶) قانون مدنی ایران بیان می‌دارد: «مورد قرارداد نباید مبهم باشد، مگر در موارد خاص که علم اجمالی به آن کافی است». رفع جهالت از مال موضوع انتقال با مشخص شدن سه عامل جنس، وصف و مقدار انجام می‌پذیرد که در عین معین و کلی، مشترک است (مواد ۳۴۲ و ۳۵۱) قانون مدنی ایران با توجه به پیشرفت تکنولوژی کمتر کسی می‌تواند یک کالا را به خوبی بشناسد. تولیدکنندگان می‌توانند هزار کامپیوتر تولید کنند که از نظر شکل ظاهری کاملاً مشابه و از نظر اوصاف باطنی کاملاً متفاوت باشند. خریدار هرگز نمی‌تواند تشخیص دهد کدام یک بهتر از دیگری است. بنابراین، افراد سفیه به راحتی مورد سوء استفاده واقع می‌شوند. می‌باید به این سه عامل، شفافیت هزینه‌های تولید و تجارت را اضافه کرد. فرد سفیه نمی‌داند فروشنده برای کالا چه میزان هزینه کرده و چه میزان سود دریافت می‌کند.

از دیگر مولفه‌های کارآمدی، کاهش هزینه‌های معاملاتی است که هزینه کل را در اقتصاد کاهش می‌دهد (Deffains, 2004, p. 6). هزینه‌های معاملاتی به دو گروه تقسیم می‌شوند: هزینه‌های مربوط به پیدا کردن طرف تجاری قابل قبول، انجام مذاکرات و نوشتن قرارداد و هزینه‌های مربوط به اجرای مفاد قراردادهای توافق شده و بازرسی‌های لازم برای تضمین انجام قرارداد. فقدان این مولفه‌ها موجب ناکارآمدی و سفاهت است. گفتگو برای عقد قراردادهای جدید و شروع به کار با شرکای تجاری جدید، مستلزم افزایش سرمایه‌گذاری در مدیریت و کنترل اجرای مفاد قرارداد است. عدم اطمینان و بلا تکلیفی نیز باعث افزایش هزینه معاملات می‌گردد. پس از گذشتن از مرحله عقد قرارداد و رسیدن به مرحله اجرائی، اگر طرف‌های تجاری در مورد چگونگی انجام توافقات، شک و شبهه داشته باشند، اشتیاق کمتری به نوشتن قراردادهای ساده نشان خواهند داد و احساس خواهند کرد که نیاز به مطرح کردن جزئیات بیشتری در قراردادها و اقدامات پیش‌گیرانه دارند. ارزیابی مستمر روابط، یکی دیگر از عواقب و پیامدهای این مسئله است که خود باعث صرف زمان بیشتری در گفتگو و چانه‌زنی مداوم بر سر هر قرارداد می‌گردد. با افزایش شک و شبهه و بلا تکلیفی، طرف‌های تجاری، بیشتر روی به گفتگو برای

قراردادهای کوتاه مدت می آورند، که این خود باعث شکل گیری گفتگوهای مجدد به صورت متناوب برای دسترسی به توافقات جدید برای همان قراردادها می گردد و عملاً اتلاف وقت بسیاری را در پی دارد.

از مولفه های کارآمدی، بازداری از بی احتیاطی در فرآیند انعقاد قرارداد است (Deffains, 2004, p. 6). بازداری از بی احتیاطی در فرآیند قرارداد می تواند قراردادها را کارآمدتر سازد و از اعتمادهای نابجا و زیان بار جلوگیری کند. از نظر اقتصادی هنگامی که به صورت آشکار، برخی تضمینات موجود در قرارداد، نقض می شود و اشتباه یا تبدیلی رخ می دهد، ضرر و زیان های مالی و غیرمالی ناشی از آن باید بر طرفی بار شود که با کمترین هزینه به وسیله بیمه کردن موضوع قرارداد و یا به هر نحو دیگری امکان جلوگیری از وقوع حادثه را داشته است (Trebilcock, 1998, p. 36).

دیگر مولفه کارآمدی، تخصیص خطر است (Deffains, 2004, p. 6). آینده مبهم است و معلوم نیست چه خطرهایی ممکن است در آینده رخ دهد. گاهی در قرارداد تصریح می شود که ضررهای ناشی از رخ دادن خطرهای احتمالی را چه شخصی متحمل شود و گاهی نیز به دلیل بالابودن هزینه های معاملاتی ناشی از مذاکره، دادرسی و موقوفه است آن را تعیین کند. در قراردادها، همواره خطراتی وجود دارند که افراد سفیه و ناکارآمد از پیش بینی آن عاجزند و به این خاطر، طرف دیگر از جهل او سوء استفاده می کند.

معمولاً طرفین قرارداد، آن را به گونه ای منعقد می کنند که حداقل یکی از آنها سود ببرد و هیچ یک ضرر نکنند. برای مثال، در معامله یک دستگاه پژو، فروشنده ارزش آن را ۳۰ میلیون تومان و خریدار ارزش آن را ۳۱ میلیون تومان می داند.^۶ در این حالت، ماشین به هر یک از این دو قیمت فروخته شود، قرارداد به سود هر دو طرف است. اما وقتی یک طرف سفیه باشد طرف دیگر از او سوء استفاده می کند.

یکی از خطرهایی که باید در قرارداد تعیین تکلیف شود هزینه تعمیر است. فرض کنید تعمیر جلوبندی ماشین برای خریدار ۳۰۰ هزار تومان و برای فروشنده به دلیل آشنابودنش با ماشین تنها ۵۰ هزار تومان هزینه دارد. در بیشتر اوقات فروشنده این گونه خطرها و هزینه ها را بر عهده خریدار سفیه می گذارد، اما اگر خطر تعمیر جلوبندی به فروشنده منتقل شود ۲۵۰ هزار تومان به بازده قراردادی اضافه می شود. برای کارآمد شدن

قرارداد باید خطر به فروشنده ماشین منتقل شود. در بازارهای حرفه‌ای به دلیل آگاه بودن طرفین از اطلاعات لازم، تخصیص خطر به صراحت انجام می‌شود مگر این که یک طرف سفیه باشد که در این صورت، طرف دیگر از او سوء استفاده می‌کند (Ogus, 2006, p. 149).

۵. عوامل موثر بر کارایی

جهت افزایش کارایی، باید به عوامل مؤثر بر آن توجه نمود. یک سری عوامل بر کارایی تأثیر اساسی دارند و دستگاه‌ها و سازمان‌هایی که دغدغه کارایی دارند، باید آن‌ها را مورد توجه جدی قرار دهند. این عوامل در دو دسته اقتصادی و فراق اقتصادی قرار می‌گیرند. عوامل اقتصادی به دو گروه فنی ساختاری و نظارتی مدیریتی تقسیم می‌شوند. عوامل فنی ساختاری در صورتی که حداقل‌های استاندارد در زیرساخت‌ها وجود داشته باشند، مؤثر خواهند بود. این زیرساخت‌ها شامل ماشین‌آلات، کارخانجات، تجهیزات مورد نیاز، نیروی کار ماهر و غیرماهر به میزان کافی، وجوه کافی برای تأمین هزینه‌ها، نظام آموزشی و بهداشتی قابل قبول، سیستم‌های نرم‌افزاری مانند محصول مؤسسات تحقیقاتی و مدل‌های مورد نیاز می‌باشند.

عوامل فنی ساختاری، شامل بازارهای کارآمد، اطلاعات و نظام اطلاع‌رسانی، ابزارهای کنترل کیفیت و استاندارد کالا، و فرایندهای پژوهش عملیاتی خواهند بود. بنابراین، نبودن اطلاعات لازم، عدم تقارن اطلاعات در میان کارگزاران، و سیطره بازارهای انحصاری یا انحصار چندگانه، باعث کاهش کارایی خواهند شد.

عناصر نظارتی مدیریتی، شامل سامان‌دهی، هماهنگی، انضباط و هدایت سازمانی، فقدان مراکز تصمیم‌گیری موازی، شفافیت گزارش برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران، توجه به همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی و کاربرد تجارب مربوطه در برنامه‌های ملی و نظایر آن هستند.

عوامل فراق اقتصادی شامل کفایت و شفافیت قوانین، رعایت قواعد بازی از سوی کارگزاران خصوصی و دولتی، وجود امنیت، احترام به قانون و نظم، فقدان تنش‌های داخلی و بین‌المللی، وجود سیستم‌های نرم‌افزاری فرهنگی مانند اعتماد متقابل، وجدان کاری، مسئولیت‌پذیری، رفتار عقلانی و وجود ابزارهای کنترلی می‌باشند.

هرگاه حداقل‌های لازم از عناصر و سیستم‌های فوق‌الذکر فراهم باشند، می‌توان کارآیی جامع از دستگاه‌ها انتظار داشت، اما در صورتی که فعالان اقتصادی و طرف‌های قراردادی سفیه باشند حداقل‌های مذکور فراهم نمی‌آید و باید منتظر پیامدهای ناکارآمد بود. تجارب و مطالعات نشان می‌دهد که هر کشور، منطقه و یا واحد اقتصادی که امور اقتصادی به دست افراد رشید و کارآمد سپرده شده با افزایش کارآیی روبرو شده است و بالعکس (دادگر، ۱۳۸۹، ص. ۲۹۷).

رشد و کارآیی پدیده‌ای مهم، کالایی کمیاب با ره‌آوردهایی ارزشمند از نظر اقتصادی و غیراقتصادی است. رشد و کارآیی پدیده‌ای است که رضایت‌مندی افراد را در عرصه‌های مختلف، فراهم می‌سازد و زمینه‌های رشد و شکوفایی و رفاه شهروندان را بهبود می‌بخشد و نظام اقتصادی را در بلندمدت، بیمه می‌کند.

توجه به مفهوم کارآیی و التزام عملی به مفاد آن به این معنا خواهد بود که کارگزاران؛

۱. امور اقتصادی را با توجه به رعایت قواعد بازی پیش ببرند.

۲. به هر لحظه از زمان و جزئی‌ترین واحدها در مصرف و تولید توجه خاص داشته باشند.

۳. از رفتار عقلانی برخوردار باشند.

۴. ضمن ملاحظه تمامی منافع و هزینه‌های بالفعل و بالقوه، بر اساس هزینه فرصت و تجزیه و تحلیل هزینه‌فایده، اتخاذ تصمیم نمایند.

۵. حسابگری، حسابرسی، کنترل، آینده‌نگری و دقت و وسواس را از دست ندهند. صاحب‌نظران و علاقه‌مندان از رشته‌های گوناگون، با دقت در ویژگی‌های کارآیی و الزامات آن می‌توانند از آن بهره ببرند. مفهوم دقیق رفتار و تفکر اقتصادی، توجه به استلزامات کارآیی است. بر طبق این مفاد، ممکن است یک سیاست‌مدار، حقوق‌دان، پزشک و معلم، اقتصادی فکر کنند و اقتصادی رفتار کنند. امروزه از همگان انتظار می‌رود توجه بیشتری به کارآیی در انتخاب‌ها و اعمال روزمره‌شان داشته باشند. کارآمدی به معنای عام، رضایت‌مندی طرف‌های قرارداد است و به معنای خاص و فنی، حداقل‌سازی هزینه و جلوگیری از اتلاف منابع می‌باشد و در معنای جامع، علاوه بر توجه به کاهش

هزینه و عدم اتلاف منابع، استفاده بهینه از منابع را نیز شامل می‌شود (دادگر، ۱۳۸۹، ص. ۲۰۰).

۶. مفهوم قرارداد سفهی از منظر اندیشمندان اسلامی

هر یک از مولفه‌های کارآمدی که بیان گردید برای شکل‌گیری قرارداد غیرسفهی لازم است و فقدان هر یک از آن‌ها قرارداد را به سمت سفهی شدن سوق می‌دهد. برای تکمیل بحث، به دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی اشاره می‌شود.

برخی در تعریف معامله سفهی آورده‌اند: معامله سفهی معامله‌ای است که اغلب عقلا آن را منعقد نمی‌کنند، به گونه‌ای که اگر چنین معامله‌ای از شخصی صادر گردد، گفته می‌شود برخلاف روش عقلا است و این معامله‌ای است که صلاحیت و قابلیت دارد که از شخص سفیه صادر شود نه عاقل (حسینی مراغی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص. ۲۴۴). باید توجه داشت که معاملات و فعالیت‌های اقتصادی از نظر اهمیت، دامنه بسیار گسترده‌ای دارد. فعالیت کارخانجات بزرگ و انجام طرح‌های ملی از اهمیت بالاتری برخوردارند و سفاهت در این موارد معنای خاص خود را دارد. وقتی عقلا معیار تشخیص سفهی یا غیرسفهی بودن معاملات یا فعالیت‌ها قرار می‌گیرند، منظور عقلای حوزه مربوطه است.

در هر حوزه نیز، عقلای آن به چند دسته تقسیم می‌شوند. در حوزه‌های مهم، عقلای آن، برخی از شناخت بیشتری نسبت به تکنولوژی و نوآوری‌های روز برخوردارند و برخی دارای شناخت و تجربه کمتر هستند. آنچه امروزه در مسئله رشد و سفاهت و معاملات سفهی و غیرسفهی باید بر آن تاکید بیشتر داشت حوزه‌های مهم اقتصاد است که تاثیر بیشتری بر اقتصاد کلان دارند. با توجه به تغییرات شدید اقتصاد و تحولاتی که فاصله اقتصادی کشورها را از نظر رشد و توسعه و بهره‌وری و کارایی به شدت افزایش می‌دهد می‌باید به جای کلمه عقلا، عبارت «عقلای پویا، پیشرو و متخصص» را به کار برد. در حوزه‌های مهم اقتصادی، آنچه برخی عقلا انجام می‌دهند از نظر برخی دیگر سفیهانه است. مثلاً ممکن است گروهی از انبوه‌سازان، خانه‌های مسکونی یا تجاری را به گونه‌ای بناکنند که معاملات مترتب بر آن‌ها از نظر عده‌ای دیگر، سفیهانه باشد. ممکن است عده‌ای از معدن‌کاران با روشی به استخراج معادن بپردازند که از نظر عده‌ای دیگر سفیهانه باشد. ممکن است عده‌ای از شرکت‌های نفتی، میادین نفت را با ماشین‌آلاتی

بهره‌برداری کنند که از نظر برخی شرکت‌های دیگر سفیهانه و در نتیجه، قرارداد با آنان، قرارداد سفهی باشد. امروزه فاصله کارایی و بهره‌وری فعالیت‌های اقتصادی بسیار گسترده است چنان‌که فاصله کشورهای پیشرفته و غیرپیشرفته بسیار زیاد است. همان‌گونه که آنچه در کشورهای توسعه‌نیافته یا در حال توسعه انجام می‌گیرد از نظر کشورهای توسعه‌یافته غیرکارا و سفیهانه است، در داخل یک کشور نیز برخی فعالیت‌های اقتصادی و معاملات مترتب بر آن که توسط یک عده انجام می‌گیرد توسط عده‌ای دیگر غیرکارا و سفیهانه تلقی می‌گردد. بنابراین آنچه در کلام فقها آمده است در نگاه کلان می‌تواند از نظر تعریف یا مصداق، با تغییراتی همراه شود و در نتیجه، در حوزه‌های مهم اقتصادی، تعریف جدیدی از سفاهت و معاملات سفیهانه ایجاد گردد. امروزه مسئله کارایی و بهره‌وری مهم‌ترین مسئله در هر فعالیت اقتصادی است و میزان پیشرفتگی یک کشور را رقم می‌زند در حالی که این دو اصطلاح برای برخی فقها و نیز برای عرف سنتی به‌طور کامل شناخته شده نیست.

برخی فقها بدون ورود به تحلیل مفهومی، به عنوان سفهی اشاره و گاه دلیل عدم صحت آن را تحلیل می‌کنند. برای مثال، شهید اول، زیادی و کمی ثمن نسبت به قیمت واقعی را در صورتی که مشتری آگاه به قیمت مبیع باشد، بدون اشکال می‌داند، مگر آن‌که این زیادی و نقصان ثمن، منتهی به سفاهت شود (شهید اول، ۱۴۲۰، ص. ۱۲۱). شهید ثانی در شرح این مطلب می‌گوید وجود هدف صحیح از این زیاده و نقصان، سفاهت را مرتفع می‌کند، اعم از این که این زیاده و نقصان اندک باشد یا غرض دیگری مانند صبر به دین حال و امثال آن، مقابل آن باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص. ۵۲۱). وی به تحلیل مفهومی ورود نمی‌کند اما بیان می‌کند که منظور از سفاهت، فقدان غرض صحیح عقلایی است نه نقصان و زیادی ثمن به تنهایی (حکمت‌نیا و زمانی، ۱۳۹۲، ص. ۱۰). اما باید توجه داشت که در هر زمان، غرض صحیح عقلایی متفاوت می‌شود و رفتار عقلا تفاوت می‌پذیرد به گونه‌ای که می‌باید عده‌ای را از تحت عنوان عقلا خارج نمود تا رفتار اقتصادی و معاملات بر اساس رفتار آنان شکل نگیرد، زیرا موجب عدم پویایی اقتصاد می‌شوند. غرض صحیح عقلایی آن است که با حداکثر بهره‌وری و کارایی همراه باشد.

در یک نظریه، معامله سفهی معامله‌ای است که برای آن وجهه عقلایی تصور نشود گرچه خود معامله‌کننده، سفیه نباشد. در این نظریه، معیار این‌که تصرفات در اموال، جنبه عقلایی داشته باشد، عقل عقلای عادی است که فاصله اندکی با سفیه دارند و نه عقلای متوسط یا عالی. معامله سفهی، مبتنی بر مسامحه متعارف عقلا نیست بلکه مسامحه نامعهود در آن اعمال شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ص. ۶۶۴). این نظریه عقلا را به سه دسته عادی، متوسط و عالی تقسیم می‌کند، اما ملاک را عقلای عادی می‌گیرد. این نظریه دلالت دارد که در میان عقلا اختلاف است و ممکن است یک معامله از نظر دسته‌ای از عقلا، عقلایی و از نظر دسته‌ای دیگر، غیرعقلایی تلقی شود.

اما چرا عقلای عادی، معیار تشخیص سفهی بودن معاملات باشند نه عقلای متوسط یا عالی؟ تفاوت این سه دسته از عقلا چیست؟ چرا به یک دسته، عقلای عادی و به یک دسته، عقلای عالی اطلاق می‌شود؟ ایراد اول بر این نظریه این است که معاملات را تقسیم نمی‌کند و برای همه آن‌ها یک ملاک در نظر می‌گیرد، در حالی که معاملات از حیث اهمیت اقتصادی دامنه بسیار گسترده‌ای دارند. در معاملات کوچک، نظر عقلای عادی مقدم است زیرا قابلیت تسامح بیشتری را دارد اما در معاملات بزرگ و مهم، نظر عقلای عالی مقدم است زیرا تسامح کمتری را می‌پذیرد. معامله برخی هواپیماهای دست‌دوم از نظر عقلای عادی غیرسفیهانه و از نظر عقلای عالی سفیهانه است. همین‌طور است معامله پروتز لگن که اگر از کشور جهان سومی باشد ممکن است لگن را بعد از مدتی دچار عفونت کند و اگر از کشور جهان اولی باشد تا آخر عمر ضمانت دارد. قرارداد خرید ماشین‌آلات استخراج معدن اگر از نظر عرف عادی، عقلایی باشد ولی از نظر عرف متخصص و پیشرو، به علت منسوخ‌بودن دستگاه‌ها، غیرعقلایی به حساب آید سفیهانه است و قابل تایید نمی‌باشد زیرا استخراج معادن به توسعه کشور گره خورده و دستگاه‌های منسوخ دارای بهره‌وری اندک و در واقع موجب تخریب معادن هستند. این نظریه به درستی اشاره می‌کند که عقل عقلای عادی فاصله اندکی با سفاهت دارد، اما این که هر قرارداد می‌باید چه میزان از سفاهت فاصله داشته باشد بستگی به اهمیت آن دارد و در همه معاملات نمی‌توان به حداقل فاصله بسنده کرد.

اگرچه شهید اول و دیگران، معامله سفهی را در عقد بیع مطرح کرده‌اند ولی این گونه معامله به عقد بیع اختصاص ندارد و در دیگر عقود معاوضی و غیرمعاوضی نیز قابل تصور است؛ زیرا ملاک سفهی بودن عقد، آن است که به گونه‌ای منعقد شود که نزد عقلا، متعارف و قابل پذیرش نباشد و تحقق این شرایط درباره تمامی عقود و شروط قابل اعمال است (حسینی مراغی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص. ۲۴۷-۲۴۸). این سخن که سفاهت امری عام است که در هر عقد، شرط و فعالیت می‌مکن است حضور داشته باشد صحیح است اما این سخن که قرارداد غیرسفهی باید بر اساس روش اکثر مردم باشد جای تردید است. وقتی فاصله اقتصاد دو کشور را ملاحظه می‌کنیم در واقع فاصله رفتار اکثریت مردم دو کشور را مشاهده می‌کنیم. عقب‌ماندگی یا پیشرفت یک کشور ناشی از رفتار اکثریت است. چگونه می‌توان معیار غیرسفهی بودن را رفتار اکثریتی دانست که عقب‌ماندگی یک کشور را رقم زده‌اند. با توجه به این که اسلام، آیین تکامل و پویایی است و تساوی دو روز متوالی را خسارت می‌داند^۷ نمی‌توان معیار را عرف ساکن و غیرپویا دانست و لو اکثریت را تشکیل دهند. تکامل و پویایی به معنای تحول و تغییر دائمی است و با سکون ناسازگار است. بنابراین می‌توان گفت که معیار، نه اکثر مردم بلکه عاقل‌ترین آنان و آشناترین آن‌ها به جدیدترین تکنولوژی‌ها است. هیچ جامعه‌ای از عرف پویا خالی نیست. قاعده کلی این است که در هر جامعه اگر عرف پویا کنار گذارده شود آن جامعه ساکن باقی می‌ماند و اگر عرف پویا معیار رفتار جامعه شود آن جامعه پیشرفت می‌کند. علت عقب‌ماندگی جهان سوم و علت پیشرفت کشورهای پیشرفته همین است. پویایی امری نسبی است. ممکن است یک عرف در یک زمان پویاتر از دیگر عرف‌ها باشد ولی پس از مدتی از پویایی بیفتد و ساکن شود. در این صورت، رفتار بر اساس آن عرف، سفیهانه تلقی می‌شود.

معاملات سفهی با معاملات غبنی شبیه است. غبن، نابرابری فاحش میان دو عوض و به هم خوردن تعادل اقتصادی است. این امر در معاملات سفهی نیز دیده می‌شود. اصل اولیه در هر قرارداد وجود تعادل است. خروج از تعادل، قرارداد را از صحت دور می‌سازد. در واقع صحت و بطلان، امری نسبی است. هر قرارداد دارای درجاتی از صحت و بطلان است. وقتی درجه بطلان از یک حد فراتر می‌رود عرف آن را باطل تلقی می‌کند. همچنین،

در قراردادهای احتمالی که میزان عوض آن به احتمال وقوع رویداد آینده بستگی دارد، ممکن است هر دو مورد غبنی و سفهی بودن، مصداق یابد. اما غبن تنها در عقود معوض که دو ارزش متقابل با یکدیگر مبادله می‌شوند راه می‌یابد در حالی که معاملات سفهی اعم از عقود معوض و غیرمعوض است. ثانیاً، در غبن، زیان دیده از میزان ارزش واقعی مال آگاه نیست اما در قرارداد سفهی معامله‌کننده آگاهانه اقدام به معامله می‌کند. البته در حوزه معاملات بسیار مهم، این آگاهی با نوعی جهل همراه است. کسی که دستگاه‌های استخراج نفت را از یک شرکت نفتی مانند رپسول^۸ اسپانیا می‌خرد ممکن است از نوآوری‌های موجود در شرکت‌های دیگر مانند رویال داچ شل^۹ هلند یا اکسون موبیل^{۱۰} امریکا آگاه نباشد. او آگاهانه معامله می‌کند اما آگاهی او با جهالت همراه است. در این صورت، اگر دستگاه‌های خریداری شده منسوخ به‌شمار آیند و از بهره‌وری نسبی پایینی برخوردار باشند این قرارداد سفیهانه تلقی می‌شود.

معاملات سفهی به معاملات غرری نیز شبیه است. به نظر برخی فقها، در همان مواردی که غرر موجب بطلان عقد است، سفهی بودن قرارداد نیز موجب بطلان می‌باشد. برخی معتقدند قاعده غرر، طریقی است، نه موضوعی و جایی که غرر منجر به سفاهت یا اکل مال به باطل گردد قرارداد باطل و آلاً صحیح است (ر.ک. حکمت‌نیا و زمانی، ۱۳۹۲، ص. ۱۲). غرر نیز همچون سفه، حقیقت شرعیه و حقیقت متشرعه ندارد و امری عرفی است.

معاملات اضطراری نیز از آن جهت که موازنه میان دو عوض وجود ندارد، به معاملات سفهی شبیه‌اند؛ ولی معاملات مضطر برخلاف روش عقلا نیست و عملی عقلایی است که اشخاص در هنگام اضطرار، به انجام آن مبادرت می‌ورزند (حکمت‌نیا و زمانی، ۱۳۹۲، ص. ۱۴).

۷. معیار سفهی بودن قرارداد

برخلاف این نظر که معاملات سفهی مصادیق روشنی دارد، تا زمانی که معیار سفاهت تدوین نشود مصادیق آن در حاله‌ای از ابهام باقی خواهند ماند (ر.ک. حکمت‌نیا و زمانی، ۱۳۹۲، ص. ۱۲). اما معیار سفهی بودن قرارداد و شاخص‌های آن چیست؟ در گذشته بیان می‌شد که معیار تشخیص معاملات سفهی، خردمندانه نبودن قرارداد است، چونان که

خرید آب در کنار رودخانه، عقلاً و عرفاً سفهی است (حسینی مراغی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص. ۲۵۴)، اما امروزه مصادیق سفاهت آشکال بسیار پیچیده‌تری به خود گرفته است. امروزه سفاهت به میزان بهره‌وری یک قرارداد یا یک رفتار اقتصادی ارتباط می‌یابد. بهره‌وری امری نسبی است. آنچه در گذشته بهره‌وری بالا تلقی می‌شد امروزه ممکن است بهره‌وری پایین شمرده شود. بهره‌وری صنایع منسوخ نساجی از این قبیل است. امروزه بهره‌وری هر عقد یا فعالیتی با بالاترین بهره‌وری موجود سنجیده می‌شود. اگر فاصله این دو بسیار زیاد باشد آن عقد یا فعالیت، سفهی به‌شمار می‌آید. سفهی بودن قرارداد یا یک فعالیت اقتصادی بر حسب اختلاف مکان، زمان، اجناس، عوض‌ها، خصوصیات، اوضاع و احوال، متفاوت است. برای مثال، ممکن است احداث صنایع فولاد در یک مکان، عقلایی و در یک مکان دیگر سفیهانه باشد. احداث صنایع بسیار آب‌بر مانند صنایع فولاد در اصفهان که در خشکی رودخانه زاینده‌رود و آلوده‌شدن هوای اصفهان و رشد بیماری ام.اس. تاثیر بسیار داشت، امری سفیهانه بود. در این گونه امور، تنها می‌باید به پیشروترین و متخصص‌ترین عرف مراجعه کرد. بی‌تردید احداث این صنایع در اصفهان نزد بسیاری از عقلا عقلایی تلقی می‌شد اما امروزه غیرعقلایی بودن آن آشکار گردیده است. این امر نشان می‌دهد گروهی که به نام عقلا، سکان امر را به دست داشتند سفیه بودند و یا کاری که عقلایی می‌شمردند سفیهانه بود.^{۱۱}

ممکن است صادرات محصولات کشاورزی در یک زمان عقلایی و در زمان دیگر به خاطر کمیابی آب و گران بودن قیمت واقعی آن، غیرعقلایی و سفیهانه تلقی شود. ممکن است عقد قرارداد با یک شرکت نفتی در یک زمان، عقلایی و در زمان دیگر سفیهانه تلقی شود. ممکن است تولید یا واردات داروهای یک بیماری خاص در یک زمان، عقلایی و در یک زمان دیگر که کسی به آن مبتلا نمی‌شود سفیهانه باشد (ر.ک. امام خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص. ۲۴۵). ممکن است اعطای پروانه ساخت موتور سیکلت در یک زمان عقلایی و در زمان دیگر به علت انباشته‌شدن بازار و فقدان تقاضای کافی، سفیهانه باشد. برعکس ممکن است یک امر در یک زمان فاقد غرض صحیح باشد و سفیهانه تلقی شود و در زمان دیگر غرض صحیحی به آن تعلق گیرد و آن را از سفهی بودن خارج سازد (فاضل،

۱۳۸۰، ج ۱، ص. ۲۴۵). شهید ثانی می‌گوید سفته با تعلق غرض صحیح برطرف می‌شود (حسینی مراغی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص. ۲۵۵).

اما امروزه بسیاری از معاملات و فعالیت‌های اقتصادی هم دارای غرض صحیح و هم دارای نفع و هم دارای بهره‌وری هستند اما در مقایسه با قرارداد یا فعالیت دیگری که دارای نفع و بهره‌وری بالاتری است ممکن است سفیهانه تلقی گردند. امروزه تکنولوژی‌های منسوخ در همه عرصه‌های صنعت از جمله نساجی و پتروشیمی دارای بهره‌وری است اما در مقایسه با تکنولوژی‌های برتر سفیهانه شمرده می‌شود. امروزه استفاده از سوخت مایع در نیروگاه‌ها، رایج و دارای بهره‌وری است اما در برابر استفاده از گاز که موجب آزادسازی سوخت مایع و صادرات آن و کسب درآمد ارزی می‌شود سفیهانه تلقی می‌شود. امروزه استفاده از بخاری‌های گازی کلاس G در برابر بخاری‌های گازی کلاس B سفیهانه تلقی می‌شود زیرا مصرف گاز بسیار بالاتری دارد که به اقتصاد کشور آسیب وارد می‌سازد.

فقه‌ها برای خروج از معاملات سفهی به شروط زیر اشاره کرده‌اند: قدرت بر تسلیم موضوع قرارداد، ملکیت موضوع قرارداد، مالیت مورد قرارداد، منفعت عقلایی موضوع قرارداد، معلوم و معین بودن موضوع قرارداد، بطلان شروط غیرمقدور.^۳ اما آنچه امروزه در بحث سفاقت و عدم سفاقت، رکن اساسی به شمار می‌رود میزان منفعت عقلایی یک قرارداد یا یک فعالیت اقتصادی است که به میزان بهره‌وری آن بستگی دارد. میزان بهره‌وری نیز به فن‌آوری موجود در دستگاه‌های مورد استفاده در هر فعالیت بستگی دارد. با توجه به شدت نوآوری‌ها و اختراعات بی‌شماری که در هر لحظه در جهان رخ می‌دهد میزان بهره‌وری هر عقد یا فعالیتی شکل نسبی به خود گرفته است به گونه‌ای که تکنولوژی‌ای که در یک زمان دارای بالاترین بهره‌وری است پس از مدتی بهره‌وری نسبی آن به شدت کاهش می‌یابد و عنوان منسوخ به خود می‌گیرد و استفاده از آن سفیهانه تلقی می‌گردد. امروزه دیگر بهره‌وری مطلق معیار عقلایی بودن فعالیت‌های اقتصادی و عقود و قراردادها نیست بلکه معیار، بهره‌وری نسبی است. همه به دنبال بالاترین بهره‌وری هستند مگر این‌که به دلایلی نتوانند به آن دست یابند.

۸. وضعیت فقهی قراردادهای سفهی

درباره وضعیت فقهی قراردادهای و فعالیت‌های سفهی، دو نظریه وجود دارد و دسته‌ای از فقها به بطلان آن قائل شده‌اند.

۸-۱. اصل اولی در معاملات سفهی

اصل اولی در معاملات، فساد است و خروج از این اصل و حکم به صحت در هر قراردادی، نیازمند دلیل می‌باشد. این اصل به طور اولی در معاملات سفهی و به‌ویژه معاملات سفهی کلان جاری است. مهم‌ترین دلیل قابل اعتماد برای اثبات صحت معاملات و خروج از اصل فساد، تایید عرف و عقلا است (ر.ک. امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص. ۱۵۷). بهتر است گفته شود معیار خروج از فساد، فاصله زیاد از بهره‌وری حداکثری است. اگر بهره‌وری حداکثری، معیار صحت کامل باشد هر آن‌چه از بهره‌وری پایین‌تری برخوردار است درجاتی از بطلان نسبی را دارا است و زمانی که این فاصله از یک حد معهود فراتر می‌رود نام باطل بر خود می‌گیرد.

۸-۲. دلالت آیه تجاره عن تراض در باره معاملات سفهی

آیه شریفه «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» (نساء: ۲۹)، صحت قرارداد را ناشی از رضایت می‌داند. نباید گفت که قرارداد سفهی چون با رضای طرفین واقع می‌شود داخل در تجاره عن تراض خواهد بود زیرا شارع رضایت سفیه در معاملات را معتبر نمی‌داند (ر.ک. حلی، ۱۳۷۴، ص. ۱۷). نمی‌توان رضایت حداقلی که رضایت کل حداقلی و در نتیجه، رفاه کل حداقلی را برای جامعه مسلمین به همراه می‌آورد به رسمیت شناخت. همچنین اگر عرف، معاملات سفهی را باطل بداند آیه اکل مال به باطل، آن را نیز شامل می‌گردد (حکمت‌نیا و زمانی، ۱۳۹۲، ص. ۲۰).^۴ نباید گفت آیه در مقام بیان شروط صحت عقود نیست بلکه در مقام بیان اسباب ناقله است چونان‌که برخی فقها قائلند (ر.ک. امام خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص. ۱۳۳؛ منتظری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص. ۴۲۹؛ خوبی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص. ۳۵). زیرا شارع تعبد خاص روی این اسباب ندارد. اگر معیار آیه، اکل مال به باطل است و منشأ اکل مال به باطل، هدر دادن مال باشد، در معاملات سفهی نیز هدر دادن مال صدق می‌کند. فهم عرفی نیز این را اکل مال به باطل می‌داند؛ زیرا این احکام، تأسیسات شرعی نبوده، بلکه امضائیات شرعی هستند و در

فضای عقلا و عرف نیز این گونه معاملات، اکل مال به باطل محسوب می‌شوند (ر.ک. حکمت‌نیا و زمانی، ۱۳۹۲، ص. ۲۱):^{۱۰}

۸-۳. ارتباط اصل تسلیط با معاملات سفهی

اگرچه در نظام حقوقی اسلام، اصل تسلیط اشخاص بر اموالشان پذیرفته شده است؛ ولی به گفته فقها آنان نسبت به شارع مقدس امین‌اند نه مالک و نمی‌توانند اموال خود را به این دلیل که مالک‌اند، هدر دهند. آیه شریفه «وَأَتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ» (نور: ۳۳) دلالت دارد که همه اموال از آن خداوند است و رابطه انسان با آن یک رابطه امانی است. حال اگر انسان بخواهد مالش را هدر دهد، شارع که مالک واقعی است، مانع این گونه تصرفات می‌گردد. معاملات سفهی مصداق چنین امری است (حکمت‌نیا و زمانی، ۱۳۹۲، ص. ۱۹). در شرایط اقتصاد مدرن، بهره‌وری پایین‌تر، به معنای هدر دادن منابع است. کارخانه‌ای که سالانه ظرفیت تولید صد میلیارد تومان را دارد اگر کسی تولید آن را به نصف برساند نیمی از تولید را هدر داده است. استخراج چاه‌های نفتی با بهره‌وری کمتر به معنای هدر دادن بخشی از این ظرفیت اقتصادی حیاتی است. کسی که قرارداد سفهی منعقد می‌کند، مصداق کسی است که مال خود را هدر می‌دهد (ر.ک. خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص. ۲۴۳).

۸-۴. انصراف ادله عقود از معاملات سفهی

دلیل دیگر بر فساد قرارداد سفهی، انصراف است. در صورتی که معاوضه مطلقاً سفهی باشد، عقل و شرع آن را قبول نمی‌کند و ادله از نفوذ چنین عقدی منصرف است؛ زیرا معاملات، امور عرفی و عقلایی است که عقلا برای رفع حاجات و تبادل اعیان و منافع اختراع کرده‌اند و قرارداد سفهی که عقل و شرع آن را قبول نمی‌کند، اطلاق ادله عقود از آن منصرف می‌باشد. شارع آنچه را که خردمندانه باشد، امضا کرده است؛ ولی عمل سفهی که خارج از مقاصد خردمندان است، مورد قبول و امضای شارع نیست (رشتی، ۱۳۱۰، ص. ۹۲). حتی حکم شارع به بطلان قرارداد سفیه، به این خاطر است که معاملات سفیه در معرض آن است که به صورت سفهی واقع شود و موجب تضییع اموال سفیه گردد؛ پس نمی‌توان احتمال صحت معامله‌ای را داد که نزد عقلا سفهی به شمار می‌رود، در حالی که صرف آن که قرارداد در معرض سفهی شدن قرار می‌گیرد، موجب بطلان قرارداد

است (منتظری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص. ۴۲۶). این بیان، علت بطلان قرارداد سفیه را رجوع آن به سفیه بودن معاملات غیررشید معرفی می‌کند که به دلیل غیرعقلایی بودن و تنفر طبع سلیم از آن، مشمول ادله عمومی تنفیذ نمی‌شود. بنابراین میزان در صحت قرارداد، عاقلانه بودن و خروج آن از سفاهت است و از این حیث تفاوت ندارد که این عمل سفیهانه از سفیه سرزند یا رشید، بلکه صدور هر عمل مخالف میزان فوق، منجر به ا تصاف آن به بطلان می‌شود (حائری و صباغی، ۱۳۹۵، ص. ۶۴).

۵-۸. وجود معیارهای تحریم ربا در معاملات سفیهی

روایتی از امام رضا در علت تحریم ربا است که می‌فرماید: یکی از علت‌های تحریم ربا، فساد اموال است. خداوند ربا را بر بندگانش حرام کرده، همان‌گونه که بر انسان سفیه ممنوع کرد اموالش را تحویلش دهند، مگر اینکه رشید شود؛ چون اموالش را تلف می‌کند (حرّ عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۸، ص. ۱۲۱). از این روایت برداشت می‌شود که ربا چون قرارداد سفیهی است باطل است بنابراین هر قرارداد سفیهی باطل است (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۵، ص. ۳۴).

۶-۸. نامتعارف بودن معاملات سفیهی

دلیل دیگر بر بطلان آن است که تأیید شارع صرفاً نسبت به معاملاتی صورت می‌پذیرد که در بین غالب مردم متعارف باشد پر واضح است که معاملات متعارف نزد اکثر مردم نیز معاملات غیرسفیهی است. بنابراین تأیید شارع تنها نسبت به معاملات غیر سفیهی جریان یافته است و معاملات سفیهی تأیید شارع را در بر ندارد یا به دلیل عدم اطلاع معصوم از آن معاملات است، یعنی حتی در فرض وقوع آن‌ها در بین افرادی چند، به دلیل عدم اقدام نوع عقلاء به آن معاملات، دلیلی بر اطلاع معصوم بر آن‌ها نیست (حسینی مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص. ۳۷۱).

۹. دیدگاه قانونی درباره معاملات سفیهی

قانون مدنی به طور روشن حکم معاملات سفیهی را بیان نکرده است؛ ولی ممکن است با تحلیل و تفسیر برخی از مواد قانون مدنی، حکم چنین معاملاتی استخراج شود. یکی از موادی که در این حوزه مورد استناد قرار گرفته است ماده ۲۳۲ ق.م. درباره بطلان شرط لغو می‌باشد. بر مبنای بند دوم از این ماده، شرطی که در آن نفع و فایده نباشد،

باطل است. ملاک و مناط این ماده، در قراردادها نیز وجود دارد؛ بنابراین با این فرض که معاملات سفهی، فاقد نفع و فایده است، موضوع، ملاک ماده مذکور قرار گرفته است و باطل قلمداد می‌شود. همچنین، می‌توان به ملاک ماده ۲۱۵ ق.م. اشاره کرد که در آن مقرر شده است مورد قرارداد باید مالیت داشته و متضمن منفعت عقلایی مشروع باشد. هرچند ماده مزبور درباره موضوع قرارداد است؛ ولی ملاک آن، نبود منفعت عقلایی می‌باشد. این امر در معاملات سفهی نیز وجود دارد.

نتیجه‌گیری

سفاهت شدید در قرارداد، موجب عدم نفوذ آن است. رشد و سفاهت، امری ذومراتب‌اند و برای معاملات و فعالیت‌های مهم و کلان نیاز به درجات بالاتری از رشد است.

سفهی و غیرسفهی بودن معاملات و فعالیت‌ها، بر اساس شرایط اقتصاد و فن‌آوری‌های نوین است و آن چه در گذشته رشیدانه بود اکنون ممکن است سفیهانه تلقی شود. در معاملات و فعالیت‌های کلان برای تعیین مصادیق سفاهت می‌باید به عرف متخصص رجوع کرد.

کارایی اقتصادی، معیار عدم سفاهت حقوقی است و از مولفه‌های کارایی، حداکثرکردن منافع، حداقل کردن هزینه‌های کسب‌وکار، کاهش هزینه‌های معاملاتی، برخورداری از قدرت رقابت در بازار، مبارزه با فرصت‌طلبی، و تخصیص خطر است. معاملات سفهی با معاملات غبنی و غرری شباهت دارد.

تشکیل نهادی مرکب از فعالان اقتصادی خوش‌نام و مدیران اجرایی متبحر، برای تشخیص و مقابله با فعالیت‌های سفهی در عرصه‌های کلان و تعیین قیم برای اداره‌داری‌های سفها و آموزش و آزمون آنان ضرورت دارد.

یادداشت‌ها

۱. شهید اول، ۱۴۲۰، ص. ۱۲۱؛ شهید ثانی، ۱۴۰۰، ج ۳، ص. ۵۲۱؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۶، ص. ۲۵۲؛ یزدی، ۱۴۱۵، ص. ۲۲۰؛ خویی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص. ۴۶۱-۴۷۲؛ مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص. ۳۶۷؛ جزیری، ۱۴۱۹، ج ۲، ص. ۴۳۱؛ مصطفوی، ۱۴۲۳، ص. ۴۵؛ مکارم، ۱۴۲۴، ج ۱، ص. ۲۰؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ص. ۶۶۴ و طاهری، ۱۴۱۸، ج ۱، ص. ۱۲۶.

۲. مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص. ۲۶۸؛ بانو امین، ۱۳۶۱، ج ۴، ص. ۱۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص. ۲۳؛ بلاغی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص. ۱۲.
۳. اگر در آن‌ها رشد کافی یافتید، اموالشان را به آن‌ها بدهید (نساء: ۶)
۴. طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص. ۱۸۱؛ حلی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص. ۲۰۶؛ خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۳، ص. ۷۳؛ نائینی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص. ۳۹۶؛ امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص. ۹؛ شبیری زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص. ۳۳۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص. ۲۷۲.

5 Discouraging carelessness in the exchange process.

۶. منظور، ارزشی است که هر یک برای اتومبیل قائلند نه قیمتی که بر روی آن چانه‌زنی می‌کنند.
۷. امام علی (ع) می‌فرماید: مَنْ اسْتَوَى يَوْمَهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۸، ص. ۳۲۷).

8 Repsol

9 Royal Dutch Shell

10. ExxonMobil

۱۱. البته به تغییر شرایط نیز باید توجه کرد. شاید زمان تاسیس این صنایع، رودخانه، بسیار پرآب بود و کمتر کسی کم‌آبی آن را پیش‌بینی می‌کرد.

۱۲. و همین‌طور است استفاده از اتومبیل‌های دارای درجه G در مصرف سوخت در مقابل اتومبیل‌های درجه A

۱۳. اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص. ۱۶۷ و ج ۱۰، ص. ۵۸؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص. ۵۵۴؛ حسینی‌عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۳، ص. ۱۸؛ طباطبایی حکیم، بی‌تا، ص. ۴۰۱؛ نجفی، ۱۴۲۲، ص. ۹ و ۱۲۳؛ بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۶، ص. ۲۵۶؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص. ۴۷۳؛ خویی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص. ۸۲.

۱۴. به نقل از سایت www.fazellaankarani.com

۱۵. به نقل از www.esra.ir

کتابنامه

قرآن مجید

آخوند، سکینه (۱۳۹۶). واکاوی واژه سفیه در آیه ولاتوتوا السفها اموالک التي جعل الله لکم قیاما. *مطالعات تفسیری*. ۸ (۲۹). ۶۶-۵۳.

آرانی کاشانی، محمدعلی بن ملامهدی (۱۴۲۶). *جواز بیع الوقف*. قم: مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی.

ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۰۳). *لسان العرب*. قم: نشر ادب حوزه.

- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳). مجمع الفائدة و البرهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۴۱۵). مکاسب محرمة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۴۲۱). البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۷۲). مناهج الوصول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امین، سیده نصرت (۱۳۶۱). مخزن العرفان در تفسیر قرآن. تهران: نهضت زنان مسلمان.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵). مکاسب. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
- بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹). القواعد الفقهیه. قم: نشر الهادی.
- بحرانی، یوسف (۱۴۰۵). الحدائق الناظره فی أحكام العترة الطاهرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- بلاغی نجفی، محمدجواد (۱۴۲۰). آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن. تهران: بنیاد بعثت.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). حقوق مدنی (رهن و صلح). تهران: انتشارات گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۲). ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۹). مجموعه بخش قانون مدنی. تهران: انتشارات گنج دانش.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). تسنیم. قم: اسراء.
- حائری، محمدحسن و صباغی ندوشن، مریم (۱۳۹۵). تأملی در قاعده انگاری بطلان معاملات سفیهانه با تأکید بر آیهی اکل مال به باطل، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی. ۱۲ (۴۴). ۵۷-۸۸.
- حسینی عاملی، سید جواد (۱۴۱۹). مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حسینی مراغی، سید میرعبدالفتاح (۱۳۸۸). العناوین. (عباس زراعت، مترجم و شارح). تهران: انتشارات جنگل.
- حسینی مراغی، سید میرعبدالفتاح (۱۴۱۷). العناوین. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). وسائل الشیعه. قم: آل‌البیت.
- حق‌پناه، رضا و دلبری، سید علی (۱۳۹۱). بررسی دلالتی آیه وابتلویتامی در جواز تصرفات مالی صبیّ ممیّز. آموزه‌های فقه مدنی. ۵ (۶). ۲۲-۳.
- حکمت‌نیا، محمود و زمانی، جعفر (۱۳۹۲). وضعیت حقوقی معاملات سفهی در فقه امامیه و حقوق ایران. حقوق اسلامی. ۱۰ (۳۶). ۷-۳۶.
- حلی، حسین (۱۳۷۴). بخت‌آزمایی برگرفته از بحوث فقهیه. مجله کیهان اندیشه. ۱۱ (۶۴). ۱۶-۳۱.
- خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵). جامع المدارک. قم: اسماعیلیان.

- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۰). مصباح الفقاهة. قم: نشر مدینه العلم.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷). مصباح الفقاهة. قم: انصاریان.
- خویی، سید محمدتقی (۱۴۱۴). الشروط أو التزامات التبعية فی العقود. بیروت: انتشارات دارالمورخ العربی.
- دادگر، یداله (۱۳۸۹). مولفه‌ها و ابعاد اساسی حقوق و اقتصاد. تهران: نور علم.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی (۱۴۰۷). روض الجنان. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- رشتی، میرزا حبیب‌الله (۱۳۱۰). کتاب الإجاره، قم: بی‌نا.
- روحانی، سید صادق (۱۴۲۹). منهاج الفقاهة. قم: نشر انوارالهدی.
- روحانی، سید صادق (۱۴۱۲). فقه الصادق. قم: دارالکتاب.
- شیرازی، سید موسی (۱۴۱۹). کتاب نکاح. قم: دفتر نشر اسلامی.
- شهیدی، مهدی (۱۳۷۷). تشکیل قراردادها و تعهدات. تهران: نشر حقوقدان.
- شهیدی، مهدی (۱۳۶۸). قدرت بر تسلیم مورد معامله. نشریه حقوق کانون وکلا. ۳۰ (۱۴۸-۱۴۹).
- ۹۱-۱۰۳
- طاهری، حبیب‌الله (۱۴۱۸). حقوق مدنی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی حکیم، سید محسن (بی‌تا). نهج الفقاهة. قم: انتشارات ۲۲ بهمن.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷). المیزان. ج ۴. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان لعلوم القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶). مجمع البحرین. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). المبسوط. تهران: مکتبه المرتضویه.
- عاملی، سید جواد (۱۴۱۹). مفتاح الکرامه. قم: جامعه مدرسین.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۱۰). اللمعة الدمشقیة. لبنان: الدارالاسلامیة.
- عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. قم: کتابفروشی داودی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰). تحریر الاحکام. قم: موسسه امام صادق (ع).
- علی دوست، ابوالقاسم (۱۳۸۸). فقه و عرف. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فاضل مقداد، جمال‌الدین (۱۴۱۹). کنزالعرفان فی فقه القرآن. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

- فاضل، محمد (۱۳۸۰). مجمع‌المسائل. قم: انتشارات مهر.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). قواعد عمومی قراردادها. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲). بحارالانوار. ج ۷۸. تهران: دارالکتب اسلامیه.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۳). مباحثی از اصول فقه. قم: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مروج جزایری، سید محمدجعفر (۱۴۱۹). هدی الطالب فی شرح المکاسب. قم: مؤسسه دارالکتاب.
- مشکینی، میرزاعلی (۱۴۱۰). مصطلحات فقه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. ج ۳. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵). بررسی طرق فرار از ربا. قم: انتشارات مدرسه علی بن ابی طالب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸). عروۃ الوثقی مع التعليقات. قم: انتشارات مدرسه علی بن ابی طالب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴). کتاب النکاح. قم: انتشارات مدرسه علی بن ابی طالب.
- منتظری، حسین علی (۱۴۱۵). دراسات فی المکاسب المحرمه. قم: نشر تفکر.
- نائینی، محمدحسین (۱۴۱۳). المکاسب و البیع. قم: دفتر نشر اسلامی.
- نراقی، احمد (۱۴۱۵). مستند الشیعه فی احکام الشریعه. قم: آل البیت.
- نجفی (کاشف الغطا)، حسن (۱۴۲۲). أنوار الفقاهه (کتاب کفاله). نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطا.
- نجفی (کاشف الغطا)، حسن (۱۴۲۲). أنوار الفقاهه (کتاب المکاسب). نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطا.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۸). جواهر الکلام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۱۹). العروۃ الوثقی (محشی). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۱۵). سؤال و جواب، تهران: مرکز نشرالعلوم الإسلامی.

References

- Holy Quran
- Âmeli, Mohammad Ibn Hassan (1989). *Al-Wasâel Al-Shi'ah*. Qom: âl Al-Bayt Institute.
- Âmeli, Muhammad ibn Maki (First Martyr) (1990). *Al-Loma'a al-Dameshqiyyah*. Lebanon: Dar Al-Islamiyah.
- Âmeli, Seyyed Javad (1999). *Meftah al-Kerâmah*. Qom: Al-jâme' Al-Mudarressin.
- Âmeli, Zayn Al-Din ibn Ali (Second Martyr) (1990). *Al-Rawdha Al-Baha'i Fi Sharh Al-Loma'a Al-Dameshqiyyah*. Qom: Davoodi Publications.

- Akhund, Sakineh (2017). Analysis of the word idiot (safih) in the holy verse of Wa lā tu-tussufahāā-a am-wālakumullatī ja'alallāhu lakum qiyāmā. *Interpretive Studies*. Vol. 29 (in Persian).
- Ali Doost, Abolghasem (2009). *Jurisprudence and Tradition*. Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute Publications (in Persian).
- AllāmeH Helli, Hassan Ibn Yusuf (2000). *Tahrir al-Ahkam*. Qom: Imam Sādegh Institute.
- Amin, Seyedeh Nusrat (1982). *Makhzan Al-erfān (The Mystery Reservoir) in Quranic Interpretation*. Tehran: Muslim Women's Movement (in Persian).
- Ansari, Morteza (1995). *Makāseb*. Qom: World Congress in honor of Sheikh Ansari.
- Arani Kashani, Mohammad Ali ibn MollāmeHdi (2005). *Permission to sell endowment property*. Qom: Islamic Jurisprudence Encyclopedia Institute (in Persian).
- Ardebili, Ahmad Ibn Muhammad (1983). *majma' Al- Fāyedah va Al-Burhān, Collection*. Qom: Islamic Publications Office.
- Bahrāni, Yousof (1985). *Al-Hadāeq Al- Nāzerah Fi Ahkām Al- 'atrah Al-tāhira*. Qom: Islamic Publications Office.
- Balaghi Najafi, Mohammad Javad (2000). *ālā Al-Rahman Fi Tafsir Al-Quran*. Tehran: Besat Foundation.
- Bojnurdi, Seyyed Hassan (1919). *Al-Qawāed Al-Fiqhiyyah*. Qom: Al-Hādi Publications.
- Cooter, Robert (1987). *Justice at the confluence of law and economics*. Social Justice Research.
- Dadgar, Yadollah (2010). *Components and Basic Dimensions of Law and Economics*. Tehran: Noor Elm Publications (in Persian).
- Deffains, Bruno (2004). Le defi de lanalyse economique du droit: le point de vue de leconomiste.
- Fazel Miqdad, Jamal al-Din (1999). *Kanz al-Irfan fi Fiqh al-Quran*. Tehran: World Association for the Approximation of Islamic Religions.
- Fazel, Mohammad (2001). *Majma' Al-Masāel*. Qom: Mehr Publications.
- Haeri Mohammad Hassan and Maryam Sabbaghi Nadushan (2016). Contemplation on the rule of invalidity of incompetent transactions with emphasis on the verse of Eating property in a void way. *Researches in Islamic Jurisprudence and Law*. Vol. 44 (in Persian).
- Haghpanah, Reza and Seyyed Ali Delbari (2012). A Study of the Meaning of Verse Wab-talol-yatāmā on the Permission of Financial Occupations of the understanding child. *The Teachings of Civil Jurisprudence*. Vol.6 (in Persian).
- Halli, Hossein (1995). Jurisprudence and the Phenomenon of Lottery. *Kayhan Andisheh Magazine*. Vol. 64 (in Persian).
- Hekmatnia, Mahmoud and Jafar Zamani (2013). The Legal Status of incompetence transactions in Imamiyya Jurisprudence and Iranian Law. *Islamic Law*, Vol. 36 (in Persian).
- Hosseini Ameli, Seyyed Javad (1919). *Meftah Al-Karama fi Sharh Qawāed Al-Alamah*. Qom: Islamic Publications Office.

- Hosseini Maraghei, Seyyed Mir Abdolfattah (2009). *Al-Anâwin*, translated and explained by Abbas Zerâ'at. Tehran: Jangal Publications.
- Ibn Manzoor, Mohammad Ibn Mokarram (1983). *Lessân Al-arab*. Qom: Publication of the literature of the seminary (adab e houzeh).
- Imam Khomeini, Seyyed Ruhollâh (1993). *Manâhej Al-Wusul*. Tehran: Institute of Arrangement and Publication of Works of Imam Khomeini.
- Imam Khomeini, Seyyed Ruhollâh (1995). *Makâseb Muharrameh*. Tehran: Institute of Arrangement and Publication of Works of Imam Khomeini.
- Imam Khomeini, Seyyed Ruhollâh (2001). *Al-bay'*, Tehran: Institute of Arrangement and Publication of Works of Imam Khomeini.
- Jafari Langroudi, Mohammad Jafar (1999). *Civil Law (Mortgage and Peace)*. Tehran: Ganj-e-Danesh Publications (in Persian).
- Jafari Langroudi, Mohammad Jafar (1993). *Terminology of Law*. Tehran: Ganj-e-Danesh Publications (in Persian).
- Jafari Langroudi, Mohammad Jafar (2000). *Collection of Civil Law Section*. Tehran: Ganj-e-Danesh Publications (in Persian).
- Javadi Amoli, Abdullah (2009). *Tasnim*. Qom: esrâ (in Persian).
- Katozian, Nasser (1997). *General Rules of Contracts*. Tehran: Publishing Company.
- Khansari, Seyyed Ahmad (1405). *Jame' Al-Madarak*. Qom: Ismailian Publications.
- Khoei, Seyyed Abolghasem (1980). *Mesbah Al-Feqhâhah*. Qom: Madinah Al-Elm Publications.
- Khoei, Seyyed Abolghasem (1997). *Mesbah Al-Feqhâhah*. Qom: Ansarian Publications.
- Khoei, Seyyed Mohammad Taghi (1994). *Conditions or Obligations to Follow in Contracts*. Beirut: Dar Al-Mowarrekh Al-Arabi Publications.
- Korobkin, Russell (1998). *Inertia and preference in contract negotiation: The psychological power of default rules and form terms*. Vand. L. Rev. 51
- Majlisi, Mohammad Baqer (1983). *Behar Al-anvâr*. Tehran: Islamic Library.
- Majlisi, Mohammad Baqir (1990). *Bihâr al-Anwâr*. Beirut: Al-Tab' and Al-Nashr Foundation.
- Makarem Shirazi, Nasser (2004). *Study of the Ways to Escape from Usury*. Qom: Ali Ibn Abi Talib School Publications (in Persian).
- Makarem Shirazi, Nasser (2003). *Kitab Al-Nikah*. Qom: Ali Ibn Abi Talib School Publications.
- Makarem Shirazi, Nasser (2007). *'Orwah Al-Wothqâ*. with the Comments. Qom: Ali Ibn Abi Talib School Publications.
- Makarem Shirazi, Nasser. (1995). *Tafsir Nemooneh*. Tehran: Islamic Publications (in Persian).
- Meshkini, Mirza Ali (1990). *Terms of Jurisprudence*. Qom: Islamic Publications Office (in Persian).
- Mohaghegh Dâmâd, Seyyed Mostafâ (2004). *Discussions on the Principles of Jurisprudence*. Qom: Islamic Sciences Publishing Center (in Persian).
- Montazeri, Hossein Ali (1995). *Drâsât Fi Al-Makasib Al-Muharramah*. Qom: Tafkar Publications.

- Morravej Jazayeri, Seyyed Mohammad Jafar (1999). *Hodâ al-Talib fi Sharh al-Makâseb*. Qom: Dar al-Kitab Institute.
- Naeini, Mohammad Hussein (1993). *Al-Makasib wa Al-Bay'*. Qom: Islamic Publishing Office.
- Najafi, Hassan (Kashif Al-Ghetâ) (2002). *Anwâr Al-Fiqhâhah (Kitab al-Kafâlah)*. Najaf Ashraf: Kashif al-Ghetâ Institute.
- Najafi, Hassan (Kashif Al-Ghetâ) (2002). *Anwâr Al-Fiqhâhah (Kitab al-Makasib)*. Najaf Ashraf: Kashif al-Ghetâ Institute.
- Najafi, Mohammad Hassan (1984). *Jawaher al-Kalam*. Beirut: Dar Al-Ehya Al-Torath Al-'arabi.
- Najafi, Mohammad Hassan (1989). *Jawahar al-Kalam*. Tehran: Islamic Publications.
- Naraghi, Ahmad (1415). *Mustanad Al-Shi'a Fi Ahkam Al-Shari'ah*. Qom: 'âl Al-Bayt.
- Ogus, Anthony I (2006). *Costs and Cautionary Tales: Economic insights for the law*. Bloomsbury Publishing.
- Posner, Richard A. (2014). *Economic analysis of law*. Wolters Kluwer Law & Business.
- Posner, Richard A. (1979). *Utilitarianism, economics, and legal theory*. The Journal of Legal Studies.
- Rashti, Mirza Habibullah (1931). *Kitab Al-Ijâra*. Qom.
- Razi, Abu al-Futuh Hussein ibn Ali (1987). *Rawdh al-Janan*. Mashhad Islamic Research Foundation.
- Rouhani, Seyyed Sadegh (2008). *Minhaj Al-Fiqhahah*. Anwar al-Huda Publications.
- Rouhani, Seyyed Sadegh (1992). *Fiqh Al-Sadiq*. Qom: Dar Al-Kitab.
- Shahidi, Mehdi (1998). *Formation of Contracts and Commitments*. Tehran: Lawyer Publishing (in Persian).
- Shahidi, Mehdi (1989). The power to deliver the traded goods. *Lawyers' Association Law Magazine*. No. 148-149 (in Persian).
- Shubeiri Zanjani, Seyyed Mousa (1999). *The Book of Marriage*. Qom: Islamic Publishing Office.
- Tabarasi, Fazl ibn Al-Hassan (1993). *majma' Al-Bayân*. Tehran: Nasser Khosrow.
- Tabatabai Hakim, Seyyed Mohsen (no date). *Nahj Al-Feqahah*. Qom: 22 Bahman Publications.
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein (1997). *Al-Mizan*. Qom: Islamic Publications Office.
- Trebilcock, Michael (1998). *The Lessons and Limits of Law and Economics*.
- Tusi, Mohammad Ibn Hassan (2008). *Al-Mabsoot*. Tehran: Al-Murtadawiyah Publications.
- Yazdi, Seyyed Mohammad Kazem (1999). *Al-'urwa Al-Wothqa (with margins)*. Qom: Islamic Publications Office.
- Yazdi, Seyyed Mohammad Kazem (2002). *Anwâr Al-Fiqhâhah (Kitab al-Makasib)*. Najaf Ashraf: Kashif al-Ghetâ Institute.